

## پژوهشهای حقوقی

فصلنامه علمی - ترویجی

شماره ۳۷

هزار و سیصد و نود و هشت - بهار

۷	• نقدی پست‌مدرنیستی بر پوزیتیویسم حقوقی در حقوق بین‌الملل دکتر علیرضا باقری ابیانه - دکتر مجتبی انصاریان
۲۷	• تفسیر قطعنامه‌های شورای امنیت: از معمای تعمیم قواعد عام تفسیر تا تخصیص تفسیر یاسر سالاریان - مهدی خلیلی طریقه
۵۵	• استثنائات منع کار اجباری در قوانین موضوعه ایران و مقاله‌نامه شماره ۲۹ سازمان بین‌المللی کار دکتر محمد مظهری - فرزاد جنگجوی (خراطا) - اکبر لطفی عزیز
۷۹	• تعهدات خاص خدمات مخابرات در سازمان جهانی تجارت زهرا مشرف جوادی
۱۰۷	• بررسی الزام مستدل بودن آرای داوری در رسیدگی به اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری بین‌المللی سپهر حسن‌خان‌پور - امیرحسین حقیقی
۱۲۷	• رویکرد کیفی قانون مالیات‌های مستقیم با تأکید بر قانون اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم ۱۳۹۴/۰۴/۳۱
۱۶۷	• سیاست‌های نوین تقنینی مبارزه با قاچاق کالا در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۰۳ دکتر ابوالحسن شاکری - عاطفه شیخ اسلامی
۱۸۹	• تأثیر شخصیت در قراردادهای مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس با تأکید بر رویه قضایی فاطمه نوروزی - دکتر مهدی عاشوری - دکتر دلاور برداران
۲۱۵	• جایگاه وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی در پرتو تحولات قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ دکتر سید ابراهیم قدسی - میثم غلامی - امین ملکی
۲۳۹	• اصل حاکمیت اراده و بروز آن در قواعد حل تعارض در نظام حقوقی ایران و چین وحید یگانه - روح‌الامین حجتی کرمانی
۲۶۱	• قراردادهای هوشمند: توافقات حقوقی در پرتو بلاک‌چین نگارنده: رچی او شیلدرز، ترجمه: مهدی ناصر - دکتر حسین صادقی





[http://jlr.sdil.ac.ir/article\\_91595.html](http://jlr.sdil.ac.ir/article_91595.html)

## ظهور روندی جدید در تفسیر صحیح قطعنامه‌های شورای امنیت: از معمای تعمیم قواعد عام تفسیر تا تخصیص تفسیری خاص برای یک نهاد مخصوص

یاسر سالاریان\* - مهدی خلیلی طرقله\*\*

### چکیده:

در دو سال اخیر روندی در حقوق بین‌الملل قوام یافته که بر تفسیر صحیح قطعنامه‌های شورای امنیت تأکید دارد. نوع تفسیر قطعنامه‌ها تأثیر شگرفی بر اجرای آنها می‌گذارد. در پرونده هسته‌ای ایران شورای امنیت تعدادی قطعنامه علیه برنامه هسته‌ای تصویب کرد؛ دولت‌های غربی با سوءتفسیر و بعضاً تفسیر غلط، اقدامات فراقطعنامه‌ای و تحریم‌هایی یک‌جانبه علیه ایران اتخاذ نمودند. در صورت اعمال تفسیر صحیح قطعنامه‌های شورای امنیت، چنین اقداماتی در حقوق بین‌الملل محلی از اعراب نداشته و روندی مناسب و درست برای تفسیر و اجرای قطعنامه‌های آتی شورا ایجاد می‌نماید.

### کلیدواژه‌ها:

شورای امنیت، قطعنامه‌های شورا، اقدامات فراقطعنامه‌ای، تفسیر صحیح قطعنامه.

مجله پژوهش‌های حقوقی (فصلنامه علمی - ترویجی)، شماره ۲۷، بهار ۱۳۹۸  
صفحه ۲۷-۵۴، تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۱/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۲۳

\* کارشناسی ارشد گرایش حقوق بین‌الملل دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران، نویسنده

Email: yasir.salarian@gmail.com

مسئول

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد گرایش حقوق بین‌الملل دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران،

Email: mahdi.khalili.t@gmail.com

ایران

## مقدمه

درمورد قطعنامه‌های شورای امنیت و آثار آن، سخنان غث و سمین بسیاری رانده شده است. روند تازه شکل گرفته و نوینی در حقوق بین‌الملل در دو سال اخیر پدیدار گشته است که طرحی نو درمورد تفسیر قطعنامه‌های شورای امنیت درانداخته است. پژوهش حاضر نه در پی روشن ساختن چراغی در باد، بلکه افروختن چراغ‌هایی از پس تاریکی است. از این رو این پژوهش گام را جلوتر نهاده و با تأکید بر روند تازه در حقوق بین‌الملل درمورد تفسیر قطعنامه‌های شورا آن را به‌دقت تشریح و تحلیل می‌نماید.

سؤالی که در پژوهش سعی شده است بدان پاسخ داده شود این است که قطعنامه‌های شورای امنیت چگونه باید تفسیر و اجرا شوند؟ عبارات آغازین قطعنامه‌های شورای امنیت، چونان راهنمایی، طریق وصول به قصد و نیت شورا را نشان می‌دهد. نادیده انگاشتن این عبارات و تفسیر معاهده‌گونه قطعنامه‌های شورای امنیت و رجوع به قواعد عام تفسیر در مواد ۳۱ و ۳۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین درمورد حقوق معاهدات، راهی بجز فروغلتیدن در هاویئه تکرار مطالب پیشین و سراسیب سخافت نمی‌باشد. قطعنامه‌های شورای امنیت معاهده نیستند و برای نیل به قصد شورا عبارات آغازین در ابتدای هر جمله از قطعنامه عملی سهل و ممتنع است. سهل از این جهت که در صورت دریافت درست از معانی و تفاسیر این عبارت قطعنامه‌ها به راحتی و به‌درستی تفسیر می‌شوند و از جهتی دشواری نیز وجود دارد که برخی تفاسیر ارائه شده برای قطعنامه‌ها، چنان هبوطی در لامکان سوءتفسیر کرده‌اند که هنوز التفات صحیحی نسبت به این موضوع مهم پیدا نشده است.

این پژوهش در دو بخش تدوین شده است. در بخش اول به صورت موردپژوهی به اقدامات فراقطعنامه‌های دولت‌های غربی می‌پردازد که ناشی از سوءتفسیر و یا تفسیر غلط قطعنامه‌های شورا علیه برنامه هسته‌ای ایران بود؛ بنابراین بخش اول، اقدامات فراقطعنامه‌ای برخی دولت‌ها، برای اجرای قطعنامه‌ها را برمی‌شمرد. در بخش دوم تحقیق به تفسیر صحیح قطعنامه‌های شورای امنیت و ابعاد آن پرداخته می‌شود. بخش دوم به صورت مبسوط و دقیق در پی جستن طریقی است که قصد و نیت شورا را آشکار نماید. از این رو در بخش دوم تک تک عبارات آغازین قطعنامه‌های شورای امنیت بررسی و به صورت جداگانه تفسیر می‌شوند تا عبارتی که شورای امنیت برای ایجاد و تحمیل تعهد به کار می‌برد، مشخص شود. بنایی که در این بخش پی افکنده می‌شود، تأسیسی تازه در حقوق بین‌الملل و حقوق تفسیر

است. این پژوهش طرحی نو از اوامر و نواهی مستتر در تفسیر قطعنامه‌هاست که حوزه تفسیر را به طریقی مستقیم رهنمون می‌سازد تا از بیغول‌رویی، ارتکاب مناهی و اقدامات فراقطعنامه‌ای بکاهد.

## ۱- تحلیل قطعنامه‌های شورا علیه ایران و عملکرد بین‌المللی دولت‌ها

باتوجه به سیر منطقی که در قطعنامه‌های شورا وجود دارد، دولت‌های غربی اقدامات فراقطعنامه‌ای و تفسیر یک‌سویه‌ای را در قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران اعمال کردند.

### ۱-۱- اتحادیه اروپا

در قطعنامه ۱۹۲۹، شورا در بخش میانی قطعنامه خود اشاره کرده بود: «با درک اینکه دسترسی به انرژی‌های گوناگون و قابل‌اعتماد برای حفظ رشد و توسعه ضروری است، در عین حال اعلام می‌دارد باتوجه به ارتباط بالقوه بین درآمدهای ایران از بخش انرژی و تأمین مالی فعالیت‌های حساس اشاعه هسته‌ای و به‌علاوه اینکه مواد و تجهیزات فرایند شیمیایی برای صنعت پتروشیمی معمول‌تر از تجهیزات و موادی است که برای فعالیت‌های حساس چرخه سوخت هسته‌ای می‌باشد.»<sup>۱</sup>

تحریم‌های اروپا به‌لحاظ شدت و حجم آنها برای اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت به دو دسته تقسیم می‌شوند: تحریم‌های قبل از ۲۰۱۰ و تحریم‌های پس از ۲۰۱۰. اتحادیه اروپا به شکل چشمگیری تحریم‌های خود را پس از ۲۰۱۰ افزایش داد. اولین دسته از اقدامات محدودیت‌زای اروپا برای بخشی از به قطعنامه‌های برنامه هسته‌ای ایران در ۲۰۰۷ رخ داد و مقرر شماره 423/2007 در سال ۲۰۰۷ تصویب شد.<sup>۲</sup>

شورای اروپا در ۲۰۱۰ برای تضمین اجرا به عبارت «ارتباط بالقوه» در قطعنامه ۱۹۲۹ متوسل شد و برای اثربخشی به میانی مطروحه در قطعنامه ۱۹۲۹ در سال ۲۰۱۰ تصمیم گرفت که «مطابق با اعلامیه شورای اروپا، دولت‌های عضو باید از فروش، عرضه و یا انتقال تجهیزات و فناوری‌های کلیدی، به‌علاوه کمک‌های فنی و مالی مرتبط با آن که می‌تواند در

۱. UN Security Council, Security Council Resolution 1929 (2010) [on measures against Iran in connection with its enrichment-related and reprocessing activities, including research and development], June 9, 2010, S/RES/1929 (2010), introductory paragraph.

۲. Council Regulation (EC) No 423/2007 of 19 April 2007 Concerning Restrictive Measures against Iran.

بخش‌های کلیدی صنایع نفت و گاز طبیعی به کار رود، جلوگیری کنند. علاوه بر این دولت‌های عضو باید از هرگونه سرمایه‌گذاری جدید در بخش‌های مذکور در ایران ممانعت به عمل آورند.<sup>۳</sup>

در این قطعنامه، شورای وزیران، خرید نفت و گاز را از ایران مورد تحریم قرار نداده، زیرا شورا در قطعنامه بعدی خود در ۲۵ اکتبر سال ۲۰۱۰ مقرر داشت که «هیچ‌گونه مقرره‌ای درخصوص تحریم خرید نفت از ایران وجود ندارد و تحریم‌های اتحادیه اروپا ناپیستی خرید یا صدور نفت و گاز از ایران و به ایران را مورد تأثیر قرار دهد. شورای وزیران اتحادیه اروپا با اقدام جدید و اخیر خود در سال ۲۰۱۲ در تحریم خرید نفت از ایران مقرره قبلی خود در سال ۲۰۱۰ را نقض نموده است.»<sup>۴</sup>

در گام بعدی، اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۲ با اصلاح تصمیم قبلی خود در ۲۰۱۰، تفسیر بسیار موسّع‌تری از «ارتباط بالقوه» بین بخش انرژی و بخش هسته‌ای ایران ارائه می‌دهد؛ بنابراین اتحادیه اروپا تصمیم Council Decision 2012/35/CFSP خود را در سال ۲۰۱۲ تصویب می‌نماید که اقدامات محدودیت‌زای بیشتری را به خود اختصاص می‌دهد.<sup>۵</sup> اقدامات محدودیت‌زایی که اتحادیه اروپا در ژانویه ۲۰۱۲ اتخاذ می‌کند، در مقرره بعدی اتحادیه اروپا، یعنی Council Regulation (EU) No 267/2012 در ماه مارس، تشدید می‌شود. ماده ۱۱ مقرره No 267/2012 اکثر بخش‌های نفتی ایران را مورد تحریم قرار می‌دهد. از این رو واردات نفت خام و محصولات پتروشیمی، انتقال و خریداری نفت خام از منشأ ایران را ممنوع اعلام می‌نماید.<sup>۶</sup>

ارائه چنین تفسیری از جانب اتحادیه اروپا و به تبع آن تحمیل اقدامات محدودیت‌زا، چندین شرکت را در لیست تحریم‌های اتحادیه قرار داد که در قطعنامه‌های شورا ذکر نشده بود. شرکت پشتیبانی ساخت و تهیه کالای نفت تهران در تصمیم شورای اروپا در

۳. COUNCIL DECISION 2010/413/CFSP of 26 July 2010 Concerning Restrictive Measures against Iran and Repealing Common Position 2007/140/CFSP, para 23.

۴. الهام امین‌زاده و ناصر خداپرست، «نقد تحریم نفت ایران از طرف اتحادیه اروپا از منظر حقوق بین‌الملل»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی ۶۰ (۱۳۹۱)، ۳۱-۳۰.

۵. Council Decision 2012/35/CFSP of 23 January 2012 Amending Decision 2010/413/CFSP concerning Restrictive Measures against Iran.

۶. Council Regulation (EU), No 267/2012 of 23 March 2012 Concerning Restrictive Measures against Iran and Repealing Regulation (EU) No 961/2010, Article 11, 23.

CFSP/413/2010، تحت تحریم‌های اروپا قرار گرفت. دیوان عمومی (شعبه چهارم) اروپا در ۲۰۱۲ با تفسیر مضیق تصمیم مذکور را باطل اعلام نمود. شورای اروپا پرونده شرکت کالای نفت را به شعبه تجدیدنظر برد. شعبه تجدیدنظر در ۲۰۱۳ رأی را به نفع شورای اروپا صادر کرد و شرکت کالای نفت در لیست تحریم‌های اروپا باقی ماند. شعبه بدوی دیوان عمومی (شعبه چهارم) اشاره داشته بود که حمایت از فعالیت‌های اشاعه‌ای (مصرح در قطعنامه‌های هسته‌ای ایران) باید جنبه عملی پیدا نماید. به عبارت بهتر شرکت تحت تحریم اتحادیه باید بیشتر حمایت از فعالیت‌های هسته‌ای ایران را در پیشینه خود داشته باشد و «صرف وجود ریسک حمایت از جانب نهاد مورد اشاره [از صنعت هسته‌ای] کافی نمی‌باشد». در رأی تجدیدنظر، دیوان دادگستری اروپا، عبارت «ارتباط بالقوه» میان درآمدهای نفتی ایران از بخش انرژی و تأمین مالی فعالیت‌های حساس اشاعه‌ای را پیش می‌کشد. دو رأی مذکور از آن جهت جالب توجه است که در شعبه بدوی (رأی اول)، هم شورا و هم دیوان به دنبال ارتباطی عملی میان حمایت از فعالیت‌های هسته‌ای و بخش انرژی بودند، مانند قطعاتی که توسط شرکت کالای نفت خریداری می‌شد و از نظر شورای اروپا، در فعالیت‌های هسته‌ای و اشاعه‌ای حساس به کار گرفته می‌شدند؛ ولی در شعبه تجدیدنظر با توسل به مفهوم «ارتباط بالقوه» در قطعنامه ۱۹۲۹ شورا هم اقدامات محدودیت‌زای اتحادیه توجیه منطقی پیدا می‌کردند و هم شورای اروپا می‌توانست با تصمیمات فراقطعنامه‌ای خود اجرای قطعنامه‌ها را تضمین بخشد؛ زیرا در شعبه تجدیدنظر اثبات نداشتن «ارتباط بالقوه» برای نهادهای ایرانی اگر غیرممکن نبود، بسیار سخت می‌نمود.

#### ۱-۲- ایالات متحده

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در بخش مبانی قطعنامه ۱۹۲۹ اشاره نشده بود که دولت‌ها باید همه صنایع نفت و گاز ایران را تحریم نمایند، بلکه تجویز شورا برای آن دسته از صنایعی بود که با تأمین مالی بخش هسته‌ای ارتباط دارند. معاونت حقوقی وزارت امور خارجه ایالات متحده که هر سال رویکرد خود به مباحث حقوق بین‌الملل را منتشر می‌کند، تأکید داشته است که «از زمان تصویب قطعنامه‌ها، ایالات متحده قویاً به دنبال این بود که تضمین نماید تحریم‌ها [ی شورای امنیت] به صورت مؤثر اجرا می‌گردند ... ایالات متحده همچنین به پند کارشناسان کمک می‌نماید و برای قطعنامه ۱۹۲۹ یک تیم هشت نفره مستقل ایجاد کرده است تا [تیم هشت نفره] نقض‌های تحریم‌ها را بررسی و به شورا کمک نمایند تا دستورات

خود را اجرا نماید و دولت‌ها را برای چگونگی اجرای هرچه بهتر قطعنامه راهنمایی کند.<sup>۷</sup> وزارت امور خارجه آمریکا اظهار داشته بود، تعدادی از نهادها و افراد مرتبط با بخش انرژی ایران به علت ارتباط آنها با فعالیت‌های هسته‌ای ایران، وفق قطعنامه ۱۹۲۹، تحت تحریم ایالات متحده قرار می‌گیرند. وزارت خارجه آمریکا علت این تحریم‌های فراتر از قطعنامه را چنین برمی‌شمرد: «قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت پیوند میان درآمد‌های نفتی ایران و برنامه‌های هسته‌ای و موشکی آن را مدنظر قرار داده است. درآمد‌های ناشی از فروش انرژی در برنامه‌های اشاعه‌ای ایران مشارکت دارد و بنابراین در وجهه بین‌المللی نیز چنین پیوندی مدنظر قرار گرفته شده است. این موضوع باعث می‌گردد، بخش انرژی مشمول تحریم‌ها قرار گیرد.»<sup>۸</sup> آمریکایی‌ها تنها به تضمین اجرای قطعنامه طبق حقوق داخلی خود عمل نمی‌کردند، بلکه تضمین اجرا را تا اندازه‌ای پیش می‌بردند که سایر کشورها را نیز با خود همراه سازند. وزارت خارجه آمریکا اعلام کرده بود: «علاوه بر تحمیل تحریم‌ها ذیل «قانون جامع تحریم‌ها، پاسخگویی و عدم سرمایه‌گذاری ایران»، ایالات متحده در تلاش‌های دیپلماتیک خود سعی می‌کند تا سایر کشورها را نیز راضی نماید فشارها را بر ایران از طریق مرتفع ساختن نیازهای نفتی خود از شیوه‌های جایگزین، افزایش دهند تا [ایران] به تعهدات عدم‌اشاعه خود پایبندی داشته باشد.» در ۵ دسامبر ۲۰۱۱، مشاور ویژه در خلع سلاح و عدم‌اشاعه آمریکا، رابرت جی. آین‌هور<sup>۹</sup> در راستای این تلاش‌های دیپلماتیک به کره جنوبی مسافرت نمود. وی اشعار داشته است: «ما کارزاری دیپلماتیک را آغاز کرده‌ایم تا خریداران محصولات پتروشیمی ایران در سراسر جهان را ترغیب نماییم که منابع جایگزینی را برای برطرف کردن نیازهای پتروشیمی خود بیابند و [از آنها خواسته‌ایم] واردات پتروشیمی خود از ایران را ادامه ندهند.»<sup>۱۰</sup>

کاخ سفید در گزاره‌برگ<sup>۱۱</sup> اعلامی خود در ۲۰۱۰ اظهار داشته بود که تجویز مراقبتی می‌بایست نسبت به کلیه شرکت‌های ایرانی اعمال شود. طبق بند ۹ این گزاره‌برگ، «دولت‌ها

۷. CarrieLyn D. Guymon, (Ed.), *Digest of United States Practice in International Law* (Washington: Office of the Legal Adviser United States Department of State, 2012), 500.

۸. CarrieLyn D. Guymon, (Ed.), *Digest of United States Practice in International Law* (Washington: Office of the Legal Adviser United States Department of State, 2011), 492.

۹. Robert J. Einhorn.

۱۰. CarrieLyn D. Guymon, (Ed.), *Digest of United States Practice in International Law* (2012), op.cit. 493.

۱۱ Fact Sheet.

باید تضمین کنند که اتباع آنها نسبت به معامله با هر شرکت ایرانی تجویز مراقبتی دارند.<sup>۱۲</sup> «قانون اختیارات دفاع ملی برای سال مالی ۲۰۱۱»<sup>۱۳</sup> در بخش ۸۰۲ خود، وزارت دفاع آمریکا را از انعقاد هرگونه قرارداد با نهادهای تجاری که در بخش انرژی ایران فعالیت می‌کنند، منع کرده است.<sup>۱۴</sup> در قانون اختیارات دفاع ملی برای سال مالی ۲۰۱۲، باتوجه به توصیه‌های وزارت خارجه و وزارت خزانه‌داری آمریکا، وزارت دفاع نیز از عبارت «ارتباط بالقوه» مصرح در قطعنامه ۱۹۲۹ بهره‌جسته و تحریم خرید نفت از ایران را تجویز کرده است. مطابق قانون اختیارات دفاع ملی برای ۲۰۱۲ تا آنجا که باتوجه به تولیدکنندگان نفت و قیمت نفت امکان دارد، می‌بایست «از کشورهایی غیر از ایران نفت را تهیه نمود تا حجم نفت صادراتی آنها [ایران] به طرز چشمگیری کاهش یابد.»<sup>۱۵</sup> رئیس‌جمهور ایالات متحده با صدور فرمان اجرایی در ۲۰۱۳ «قانون آزادی ایران و مقابله با اشاعه ۲۰۱۲»<sup>۱۶</sup> را اجرایی نمود.<sup>۱۷</sup> در این قانون، ایالات متحده تحریم‌های جدیدتری را نسبت به برخی صنایع نفت و گاز و کشتیرانی با تکیه بر قطعنامه ۱۹۲۹ وضع نمود. در بخش ۸۸۰۳ این قانون به بند مقدماتی قطعنامه ۱۹۲۹ اشاره و بخش مزبور تصریح کرده است که شورای امنیت «ارتباط بالقوه‌ای» را میان درآمدهای بخش انرژی ایران و فعالیت‌های حساس اشاعه‌ای شناسایی کرده است. بدین سبب قانون آزادی ایران و مقابله با اشاعه ۲۰۱۲ «ارتباط بالقوه» قطعنامه را چنین تفسیر می‌نماید: «شرکت ملی نفت‌کش ایران اصلی‌ترین حامل شرکت ملی نفت ایران متعلق به سپاه پاسداران انقلاب است و یکی از عوامل کلیدی در زنجیره عرضه و مسئول درآمدهای انرژی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱۲. "Fact Sheet on the New UN Security Council Sanctions on Iran," The White House, Office of the Press Secretary, June 09, 2010, <https://www.whitehouse.gov/the-press-office/fact-sheet-new-un-security-council-sanctions-iran>.

۱۳. The National Defense Authorization Act (NDAA).

۱۴. The National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2011, Section 805. Prohibition on Contracts with Entities Engaging in Commercial Activity in the Energy Sector of Iran, 331.

۱۵. The National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2012, Section 1245. Imposition of Sanctions with Respect to the Financial Sector of Iran.

۱۶. The "Iran Freedom and Counter-Proliferation Act of 2012" (IFCA).

۱۷. Issuance of the Executive Order "Authorizing the Implementation of Certain Sanctions Set Forth in the Iran Freedom and Counter-Proliferation Act of 2012 and Additional Sanctions with Respect to Iran" and the Implementation of Certain Provisions of the Iran Freedom And Counter-Proliferation Act of 2012 (IFCA).



است که از فعالیت‌های اشاعه‌ای غیرمشروع دولت ایران حمایت می‌کند.<sup>۱۸</sup> از این رو این قانون شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی نفت کش، خطوط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران و نهادهای وابسته به آنها را در لیست تحریم‌ها قرار می‌دهد.<sup>۱۹</sup>

در ۲۰۱۰ کنگره آمریکا، «قانون جامع تحریم‌ها، پاسخگویی و عدم سرمایه‌گذاری ایران»<sup>۲۰</sup> را مورد تصویب قرار داد. کنگره با توجه به قطعنامه‌های شورای امنیت، خصوصاً ۱۹۲۹، به تهدیدات ناشی از «تأمین مالی فعالیت‌های حساس اشاعه‌ای» اشاره می‌کند و قطع کردن تأمین مالی را با اهمیت می‌داند.<sup>۲۱</sup> قانون مزبور ارتباط میان بخش انرژی ایران و حمایت از فعالیت‌های هسته‌ای را مدنظر خود قرار داده است.<sup>۲۲</sup> نقش سپاه پاسداران در فعالیت‌های اشاعه‌ای را ذکر کرده و بدین جهت نهادها و مؤسسات وابسته به سپاه پاسداران را در زمره تحریم‌های ایالات متحده قرار می‌دهد. لازم به اشاره است که در این صورت تحریم‌ها ابعاد وسیعی به خود می‌گیرند، زیرا تشخیص و انتساب هر نهاد مالی به سپاه پاسداران توسط دولت ایالات متحده انجام می‌گیرد.<sup>۲۳</sup> کنگره در قانون جامع تحریم‌ها، پاسخگویی و عدم سرمایه‌گذاری ایران تلویحاً بر تضمین اجرای قطعنامه‌های شورا را نیز تأکید کرده است؛ زیرا طبق این قانون «ایالات متحده باید از تصمیم هر دولتی که از روی اشتها یا احتیاط از سرمایه‌گذاری دارایی‌های دولتی خود ممانعت یا جلوگیری می‌کند تا بر افرادی که در فعالیت‌های مربوط به سرمایه‌گذاری بخش انرژی ایران دخیل هستند، [محدودیت‌هایی را وارد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱۸. "22 USC Ch. 95: Iran Freedom and Counter-Proliferation, from Title 22-Foreign Relations and Intercourse, §8803. Imposition of Sanctions with Respect to the Energy, Shipping, and Shipbuilding Sectors of Iran, (a) Findings, paras 5-6," Office of the Law Revision Counsel, United States Code, Last Accessed May, 2016.

<http://uscode.house.gov/view.xhtml?path=/prelim@title22/chapter95&edition=prelim>

۱۹. Ibid.

۲۰. The Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, and Divestment Act of 2010, CISADA.

۲۱. H.R.2194 - Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, and Divestment Act of 2010, 111th Congress (2009-2010), Section 104. Mandatory Sanctions with Respect to Financial Institutions that Engage in Certain Transactions.

۲۲. CISADA, Section 2, Findings, para 8.

۲۳. CISADA, Section 112, Sense of Congress Regarding Iran's Revolutionary Guard Corps and its Affiliates.

آورند.]<sup>۲۴</sup> «قانون کاهش حقوق بشر سوریه توسط ایران»<sup>۲۵</sup> شرکت ملی نفت و شرکت ملی نفتکش ایران را به دلیل حمایت شرکت‌های مذکور از سپاه تحت تحریم‌های خود قرار می‌دهد.<sup>۲۶</sup>

قطعنامه ۱۷۳۷ و ۱۹۲۹ تنها سه نهاد متعلق به خطوط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران را در لیست تحریم‌ها قرار داده بود<sup>۲۷</sup> ولی قانون TRA به رئیس‌جمهور ایالات متحده اختیارات گسترده‌تری را اعطاء کرده بود. قانون مذکور انتقال و حمل نفت خام از مقصد ایران را نشانه رفته بود. از این رو کل کشتی‌های دولت ایران مشمول تحریم قرار گرفت. مطابق با قانون کاهش حقوق بشر سوریه توسط ایران، سه نوع کشتی مشمول تحریم ایالات متحده قرار می‌گیرند: (۱) متعلق به دولت ایران؛ (۲) متعلق به شرکت ملی نفتکش ایران و خطوط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران؛ (۳) هر نهاد دیگری که رئیس‌جمهور تعیین کند که مشمول تحریم قرار گیرد. نهادهای تحریم‌شده نمی‌توانند به مدت دو سال در بنادر ایالات متحده پهلو بگیرند.<sup>۲۸</sup> تحریم‌های این قانون از دامنه وسیع‌تری برخوردار هستند؛ زیرا نهادهایی که با لیست تحریمی TRA همکاری کنند نیز مشمول تحریم‌های رئیس‌جمهور ایالات متحده قرار می‌گیرند.<sup>۲۹</sup>

### ۱-۳- استرالیا و کانادا

وزیر خارجه استرالیا، طی بیانیه‌ای در ۲۹ جولای ۲۰۱۰، اشاره کرده بود که استرالیا یک بسته اجرایی که شامل دو نوع تحریم است، بر ایران اعمال خواهد کرد. بنا به اظهارات وی تحریم‌های نوع اول، مصرح در قطعنامه ۱۹۲۹ است و تحریم‌های نوع دوم، تحریم‌های

۲۴. CISADA, Section 202, Authority of State and Local Governments to Divest from Certain Companies that Invest in Iran.

۲۵. Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act of 2012, TRA.

۲۶. H. R. 1905- Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act of 2012, 112<sup>th</sup> Congress (2011-2012), Determinations of Whether the National Iranian Oil Company and the National Iranian Tanker Company are Agents or Affiliates of Iran's Revolutionary Guard Corps.

۲۷. UN Security Council, Security Council Resolution 1737 (2006) [Non-Proliferation], December 23, 2006, S/RES/1737 (2006), paras 12-15; UN SC Res. 1929, para 19.

۲۸. H. R. 1905- Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act of 2012, Section 202. Imposition of Sanctions with Respect to Transportation of Crude Oil from Iran and Evasion of Sanctions by Shipping Companies.

۲۹. Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act of 2012, Section 202.

مستقلی هستند که برای تضمین اجرای قطعنامه ۱۹۲۹ در نظر گرفته شده است، وزیر خارجه استرالیا نیز «ارتباط بالقوه» میان بخش انرژی ایران و صنایع هسته‌ای را مطمح نظر خویش قرار داده بود: «بسته‌ای که امروز من آن را اعلام کردم، شامل اقداماتی می‌شود که از اقدامات مصرح در قطعنامه ۱۹۲۹ نیز فراتر رفته است، اقدامات مذکور برای تقویت و تحکیم این قطعنامه اتخاذ شده است.»<sup>۳۰</sup> وزیر خارجه همچنین اشعار داشته بود: «برای اولین بار، استرالیا اقداماتی را اتخاذ خواهد کرد که ارتباط تجاری استرالیا با بخش نفت و گاز ایران را محدود می‌کند.»<sup>۳۱</sup> وزیر خارجه استرالیا این اقدامات را مشابه اقداماتی می‌داند که در تصمیم شورای اروپا در ۲۶ جولای ۲۰۱۰ تصویب شده بود. شورای اروپا در ۲۶ جولای اشاره کرده بود که «شورا امروز تصمیمی را برای اجرای اقداماتی تصویب کرده است که در قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت ملل متحد تصریح شده است و به‌علاوه اقداماتی تکمیلی با نظر به تقویت نگرانی‌های مهم قطعنامه [اتخاذ شود].»<sup>۳۲</sup> دولت کانادا نیز در وضع تحریم‌های فراقطعنامه‌ای پیشگام بود. کمیته امنیت و دفاع ملی مجلس سنای کانادا در نشستی که با مارک دوبوویتز،<sup>۳۳</sup> نئومحافظه‌کار آمریکایی، داشتند، قطعنامه ۱۹۲۹ را مورد بحث و بررسی قرار دادند. در نشست کمیته اشاره شده است که «مقدمه قطعنامه شورای امنیت ملل متحد حاوی ادبیات خاصی است که بر پیوند میان بخش صنعت انرژی و برنامه هسته‌ای ایران تأکید دارد و [پیوند] میان صنعت پتروشیمی ایران و استفاده دوگانه از تجهیزات که به‌منظور صنعت پتروشیمی تهیه شده است، ولی به فعالیت‌های اشاعه‌ای هسته‌ای تغییر می‌یابد.»<sup>۳۴</sup> هیئت اعزامی کانادا به ناتو نیز بر «تقویت هماهنگی در سیاست خارجی [هم‌پیمانان] در قبال جمهوری اسلامی ایران» تأکید داشت. هیئت مذکور یکی از راهبردها را «تضمین اجرای قطعنامه ۱۹۲۹

۳۰. Hon Stephen Smith MP, "Australian Minister for Foreign Affairs and Trade, Australia Imposes New Broad-Ranging Sanctions against Iran," Minister for Foreign Affairs, Senator the Hon Marise Payne, July 29, 2010, <http://foreignminister.gov.au/releases/2010/fa-s100729.html> (Last Accessed April, 2016).

۳۱. Ibid.

۳۲. EU Council Decision 2010/413/CFSP of 26 July 2010, 10.

۳۳. Mark Dubowitz.

۳۴. "Proceedings of the Standing Senate Committee on National Security and Defense, Issue 3 - Evidence - Meeting of December 5, 2011," Parliament of Canada, December 5, 2011, <http://www.parl.gc.ca/content/sen/committee/411%5CSECD/03EVA-49238-e.HTM>.

شورا<sup>۳۵</sup> می‌داند. کمیته سیاست خارجی و تجارت بین‌الملل مجلس سنای کانادا، گزارشی را درخصوص نحوه تعامل با ایران و اجرای قطعنامه‌ای شورا منتشر کرده بود. در گزارش مذکور آمده است: «مقامات وزارت خارجه به کمیته گفته‌اند که علاوه بر همراهی با تحریم‌های ملل متحد، کانادا اقدامات یک‌جانبه‌ای را علیه ایران تحمیل کرده است تا مواردی را پوشش دهد که در لیست تحریمی ملل متحد در قبال اشاعهٔ تسلیحات هسته‌ای نیامده است. این تحریم‌های یک‌جانبه که ذیل قانون اقدامات اقتصادی ویژه<sup>۳۶</sup> اجرا می‌شوند، محدودیت‌هایی را به‌منظور پیشگیری ایران از دریافت کالاها، فناوری‌ها و خدماتی تحمیل می‌کنند که می‌توانند در برنامه هسته‌ای به‌کار گرفته شوند.»<sup>۳۷</sup> کمیته مذکور به‌مانند سایر کشورهای غربی، تحریم‌های مالی کم‌سابقه‌ای را علیه تراکنش‌های مالی بانک مرکزی اتخاذ می‌نماید و «علاوه بر آن صادرات هرگونه کالایی به بخش صنعت نفت، گاز و پتروشیمی ایران را ممنوع» اعلام می‌کند و «این ممنوعیت جامع، بخش نفت خام ایران را پوشش می‌دهد.»<sup>۳۸</sup>

## ۲- تفسیر صحیح قطعنامه‌های شورای امنیت

### ۲-۱- منسوخ شدن تفسیرهای سنتی و برخی تفاسیر غلط و کنونی از قطعنامه‌های شورا

موضوعات اخیر نحوه اجرا و تفسیر مقدمه یا مبانی قطعنامه شورای امنیت در عملکرد بین‌المللی دولت‌ها را نشان می‌دهد، ولی قطعنامه ۱۹۲۹ چگونه باید اجرا می‌شود؟ بند آخر مقدمه قطعنامه ۱۹۲۹ باید با بند ۳۷ قطعنامه توأمان تحلیل گردد. بند آخر مقدمه قطعنامه اشعار داشته است که «با تأکید بر اینکه هیچ‌چیزی در این قطعنامه دولت‌ها را مجبور نمی‌کند اقداماتی را اتخاذ نمایند که خارج از دامنه [حدود] قطعنامه باشد.»<sup>۳۹</sup> بنابراین دولت‌ها

۳۵. "Report of the Canadian Parliamentary Delegation Respecting its Participation," (at the 56th Annual Session, Canadian NATO Parliamentary Association (NATO PA), Warsaw, Poland: Canadian NATO Parliamentary Association (NATO PA), November 12-16, 2010).

۳۶. Special Economic Measures Act.

۳۷. Standing Senate Committee on Foreign Affairs and International Trade, *Iran in Focus: Current Issues for Canadian Foreign Policy*, December 2012. 9.

۳۸. Ibid, 9-10. See Also: DFAIT, 41:1, Issue no. 6, p. 50; United Nations Security Council Resolutions 1696 (2006); 1737 (2006); 1747 (2007); 1803 (2008); 1835 (2008); 1887 (2009); 1929 (2010). Chapter VII of the UN Charter addresses "Action with Respect to Threats to the Peace, Breaches of the Peace, and Acts of Aggression."; DFAIT, 41:1, Issue no. 6, p. 49.

۳۹. UN SC Res. 1929, Introductory Paragraph.

نمی‌توانند اقدامات یک‌جانبه بیشتری را بر ایران تحمیل نمایند. شورا در بند ۳۷ قطعنامه راه‌حل خود را ارائه داده است؛ اگر ایران به تعهدات قطعنامه‌ای پایبند نباشد، در صورت نیاز خود شورا اقدامات دیگری را تحمیل خواهد نمود. بند ۳۷ قطعنامه تشریح می‌نماید در صورتی که ایران به «این قطعنامه پایبندی نداشته باشد، [شورا] اقدامات مناسب بیشتری را بر اساس ماده ۴۱ فصل VII منشور ملل متحد تصویب می‌کند تا ایران را به پایبندی با این قطعنامه‌ها و درخواست‌های آژانس وادار نماید و [شورا] تأکید می‌کند که تصمیمات بیشتر در صورتی نیاز خواهند بود که چنین اقدامات اضافی ضروری باشند.»<sup>۴۰</sup>

لازم است تا تفسیر صحیح قطعنامه‌های شورا بررسی شود. تفسیر قطعنامه‌های شورا در محافل و ادبیات آکادمیک مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. از نظر نگارنده برای تفسیر قطعنامه‌ها نیاز به درک و فهم مترقی در تئوری و عمل است.<sup>۴۱</sup> طبق «نظر مشورتی ۲۰۱۰ دیوان در مورد قانونی بودن اعلامیه استقلال کوزوو»، اعمال قواعد عام تفسیر معاهدات (مصرح در مواد ۳۱ و ۳۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات) بر قطعنامه‌های شورا بسیار ساده‌انگارانه است. اگرچه هم‌پوشانی‌هایی میان تفسیر معاهدات و تفسیر قطعنامه‌ها وجود دارد.<sup>۴۲</sup>

در حالت عادی نمی‌توان به صورت *Mutatis Mutandis* قواعد تفسیر را بر قطعنامه‌های شورا اعمال نمود، زیرا آنها معاهده نیستند، بلکه اعلاناتی هستند که از جانب یک سازمان بین‌المللی صادر می‌شوند. مایکل وود<sup>۴۳</sup> به نتیجه‌گیری مشابهی دست یافته است؛ از نظر وی قطعنامه‌های شورای امنیت باید در چهارچوب ماهیت حقوقی شورای امنیت ذیل منشور ملل متحد تحلیل شود. وی اشعار می‌دارد: «شورای امنیت «یک رکن سیاسی با اهلیت محدود» است و شورا نباید به‌عنوان یک رکن قانونگذار یا قضایی پنداشته شود.»<sup>۴۴</sup> از نظر مایکل وود:

۴۰. UN SC Res. 1929, para 37.

۴۱. See, e.g., Jochen Abr. Frowein, "Unilateral Interpretation of Security Council Resolutions - A Threat to Collective Security?," in *Liber Amicorum Günther Jaenicke—Zum 85. Geburtstag*, ed. Volkmar Götz, Peter Selmer, and Rüdiger Wolfrum (Berlin: Springer 1998), 87; Michael Wood, "The Interpretation of Security Council Resolutions," *Max Planck Yearbook of United Nations Law* 20(1) (1998): 73; Paul Szasz, "The Security Council Starts Legislating," *American Journal of International Law* 96 (2002): 901.

۴۲. Accordance with International Law of the Unilateral Declaration of Independence in Respect of Kosovo, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2010, Para 94.

۴۳. مایکل وود، Michael Wood، دیپلمات بریتانیایی و هم‌اکنون عضو کمیسیون حقوق بین‌الملل می‌باشد.

۴۴. Michael Wood, op.cit. 77-78. See Also: Bruno Simma, *The Charter of the United Nations: A Commentary* (New York: Oxford University Press, 2012), 3<sup>rd</sup>, 1254; Sydney D. Bailey, and Sam

«شورای امنیت نباید همانند قانونگذار داخلی تحلیل گردد یا الزاماً به‌سان معاهدات در نظر گرفته شود. برخلاف معاهدات، بیشتر مفاد قطعنامه‌های شورای امنیت به قصد وضع حق و تکلیف‌های الزام‌آور بر دولت‌ها به‌وجود نیامده است. بسیاری از قطعنامه‌ها اجرایی یا محدود به ملل متحد یا واجد ماهیت سیاسی است و غالب اوقات آنها موضوعاتی کوتاه‌مدت را مورد مخاطب قرار می‌دهند.»<sup>۴۵</sup>

رویکرد مایکل وود اهمیت بسزائی دارد، زیرا نباید به‌آسانی نگرشی غالب گردد که شورای امنیت به‌عنوان یک ابرقانونگذار یا یک نهاد قضایی در داخل نظام حقوقی بین‌المللی قلمداد شود و با مصوب کردن هر عبارتی ذیل اختیارات فصل هفتم، شورا را واجد چنان صلاحیت و اهلیتی نماید که اعلانات حقوقی تصویب کند یا تعهدات حقوقی وضع نماید.<sup>۴۶</sup> برداشت به‌مانند فوق از ماهیت حقوقی شورای امنیت ذیل اختیارات آن در فصل هفتم صحیح نمی‌باشد.

متعاقب مواد ۲۵، ۳۹، ۴۰، ۴۱ و ۴۲ منشور، دولت‌ها اختیاراتی به شورا تفویض کرده‌اند. از این‌رو شورا از اختیارات موسعی برای اتخاذ تصمیمات الزام‌آور حقوقی برخوردار است. تعدادی از اصول حقوقی چگونگی تفسیر قطعنامه‌های شورا را تعیین می‌نمایند که از میان آنها می‌توان به استناد شورا به اختیارات خود برای اتخاذ تصمیمات الزام‌آور و وضع تعهدات حقوقی برای دولت‌های طرف منشور اشاره کرد.<sup>۴۷</sup>

## ۲-۲- ظهور روندی جدید از تفسیر قطعنامه‌های شورای امنیت

دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی نامیبیا به تفسیر ماده ۲۵ منشور پرداخته است. در قضیه مذکور، این بحث مطرح شده بود که ادبیات قطعنامه شورا علیه آفریقای جنوبی جنبه تشویقی و اندرزی<sup>۴۸</sup> داشته و فاقد الزام‌آوری حقوقی است، دیوان اظهار داشته است: «ادعا

Daws, *The Procedure of the UN Security Council* (Clarendon Press, 1998), 3<sup>rd</sup> Ed; R.J. Dupuy, *The Development of the Role of the Security Council: Workshop* (The Hague: Brill | Nijhoff, 21-23 July 1992).

۴۵. Simma, op.cit. 81.

۴۶. Daniel H. Joyner, *International Law and the Proliferation of Weapons of Mass Destruction* (Oxford: Oxford University Press, 2009), ch. 4; Daniel Joyner, "The Security Council as a Legal Hegemon," *Georgetown Journal of International Law* 43 (2012): 225; University of Alabama Legal Studies Research Paper.

۴۷. Daniel H. Joyner, *Iran's Nuclear Program and International Law: From Confrontation to Accord* (Oxford: Oxford University Press, 2016), 195.

۴۸. Exhortatory.

شده است که ادبیات قطعنامه‌های مربوطه شورای امنیت، به‌جای لازم‌الآلتباع بودن، اندرزی هستند؛ بنابراین مقصود آنها نه تحمیل کردن تکلیف حقوقی بر دولتی و نه متأثر کردن حق دولت‌های دیگر می‌باشد. ادبیات قطعنامه‌های شورا باید به‌دقت مورد بررسی قرار گیرد، پیش از آنکه در مورد اثر الزام‌آوری آن به نتیجه رسید.<sup>۴۹</sup>

بنابراین دیوان نیز اجرای قطعنامه‌ها را محدود به بررسی ادبیات و عبارت قطعنامه‌ها می‌نماید. اول از همه باید به عبارات قطعنامه رجوع کرد. شورای امنیت از تعدادی عبارات و واژه‌ها بهره می‌برد و برای سهولت اجرا کردن مفاد قطعنامه‌ها، معانی متفاوتی را برای هر کدام از آنها متصور است. حتی در درون یک قطعنامه شورا عبارات آغازین خاصی را به کار می‌برد. معمولاً افعال در شروع بندهای اجرایی قطعنامه‌ها به کار برده می‌شود. محتوای بندهای قطعنامه، قصد اعضای شورا را در خصوص وضعیت مورد مخاطب تعیین می‌کند. هر بند ممکن است از چندین جمله تشکیل گردد.<sup>۵۰</sup> برخی از فعل‌های مورد استفاده در شروع جملات شامل موارد زیر است: «تصمیم می‌گیرد»،<sup>۵۱</sup> «توصیه می‌کند»،<sup>۵۲</sup> «ملزم می‌دارد»،<sup>۵۳</sup> «درخواست می‌نماید»،<sup>۵۴</sup> «هشدار می‌دهد»،<sup>۵۵</sup> «تقاضا می‌نماید»<sup>۵۶</sup> و «فرامی‌خواند».<sup>۵۷</sup> در هر کدام از فعال آغازین معنای خاصی مستتر است، معنای مذکور باید به‌درستی تحلیل و در قواعد تفسیری

۴۹. Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) notwithstanding Security Council Resolution 276 (1970), Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1971, para 114.

۵۰. See: Justin Gruenberg, "An Analysis of United Nations Security Council Resolutions: Are All Countries Treated Equally?," *Case Western Reserve Journal of International Law* 41 (2009): 469, 487-490.

۵۱. Decides.

۵۲. Recommends.

۵۳. Calls upon.

۵۴. Requests.

۵۵. Warns.

۵۶. Demands.

۵۷. Urges.

اعمال شود تا قصد شورای امنیت در بندهای مربوطه برای اتخاذ تصمیمات الزام‌آور و ایجاد تعهدات حقوقی مشخص شود.<sup>۵۸</sup>

شایان ذکر است ماده ۲۵ صراحتاً بیان می‌دارد: «اعضای ملل متحد موافقت می‌نمایند که «تصمیمات» شورای امنیت را برطبق این منشور قبول و اجرا نمایند.» مقرر مذکور بنیانی برای پیروی از قطعنامه‌های شورای امنیت است و همین موضع سبب می‌گردد تا تصمیمات شورا به لحاظ حقوقی الزام‌آور شوند. برای تفسیر قطعنامه‌های شورا باید «تصمیمات» در قالب ادبیات حاکم بر قطعنامه تحلیل و بررسی شود. به‌ویژه زمانی که شورا قصد وضع تعهد حقوقی الزام‌آوری دارد.<sup>۵۹</sup>

معادل فارسی	عبارت انگلیسی	ضعیف‌ترین عبارت
تصمیم می‌گیرد	<i>Decides</i>	
ملزم می‌دارد	<i>Calls Upon</i>	
توصیه می‌کند	<i>Recommends</i>	
درخواست می‌نماید	<i>Requests</i>	
فرا می‌خواند	<i>Urges</i>	
هشدار می‌دهد	<i>Warns</i>	
تقاضا می‌نماید	<i>Demands</i>	

۶۰

دانیل جوینر نیز با مایکل وود موافق است، «نباید مفروض گرفت که قطعنامه‌های شورا متضمن منبعی برای تعهدات حقوقی دولت‌ها هستند، بلکه باید دقیقاً فرض مخالف آن را در نظر داشت: استقلال و حاکمیت دولت‌ها نباید از تعهدات حقوقی جدا پنداشته شود و تعهدات باید واجد عبارات مشخص، معین و دقیقی باشند، این امر در زمان تحمیل تعهدات حقوقی بر

۵۸. See: Paul Szasz, op.cit. 154.

۵۹. John Bellinger, "The New UNSCR on Iran: Does It Bind the United States (and Future Presidents)?," Brookings, July 18, 2015, <https://www.brookings.edu/blog/markaz/2015/07/21/the-new-uns-cr-on-iran-does-it-bind-the-united-states-and-future-presidents/>.

لازم به ذکر است جان بلینجر به‌عنوان معاون حقوقی وزارت امور خارجه آمریکا از ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ خدمت کرده است. معاون حقوقی وزارت امور خارجه آمریکا چنان اهمیتی دارد که پس از انتصاب، باید به تأیید مجلس سنا برسد. برخی معتقد هستند جان بلینجر نقشی کلیدی در تهیه پیش‌نویس قطعنامه‌های تحریمی شورا علیه ایران داشت. خود وی نیز در محافل آکادمیک و دیپلماتیک به‌عنوان متخصص در این زمینه شناخته می‌شود.

60. Gruenberg, op.cit. 487.



دولت‌ها از طرف شورا باید بیشتر نیز رعایت گردد.<sup>۶۱</sup> جان فوروین در این موضوع چنین ابراز داشته است: «یکی از قواعد ریشه‌دار در تفسیر معاهدات پیش از انعقاد «کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در مورد حقوق معاهدات»، به قدر امکان احترام به حاکمیت دولت‌ها بود. قاعده مذکور بدان سبب است که حقوق حاکمیتی دولت‌ها در یک معاهده تحت‌الشعاع قرار نگیرد. در کنوانسیون حقوق معاهدات به چنین قاعده‌ای اشاره نشده است. درحقیقت کمیسیون حقوق بین‌الملل بر این عقیده بود که نقطه آغازین برای تفسیر معاهده باید قصد و نیت طرفین باشد که ادبیات حاکم بر معاهده، آن را تعیین می‌کند؛ بنابراین استدلال فوق در راستای ماهیت معاهده قرار می‌گیرد که با اجماع اطراف معاهده منعقد شده است. تفسیر فوق کاملاً با تفسیر قطعنامه‌های شورا متفاوت است، زیرا قطعنامه‌ها اقداماتی قهری<sup>۶۲</sup> هستند که علیه یک دولت به کار بسته می‌شوند. اقدامات مذکور به شدت حاکمیت برابر دولت‌های عضو ملل متحد را خدشه‌دار می‌نمایند. برای تفسیر قطعنامه‌ها، چنانچه ادبیات مبهمی داشته باشند اعمال قاعده‌ای ریشه‌دار چون «احترام به حاکمیت دولت‌ها» کاملاً قابل‌درک است.»<sup>۶۳</sup>

باتوجه به استدلالات فوق، هم‌اکنون می‌توان قطعنامه‌های شورا علیه برنامه هسته‌ای ایران را تفسیر نمود. برای تفسیر می‌توان از قطعنامه ۱۶۹۶ آغاز کرد. ادبیات محتاطانه حاکم بر قطعنامه شورا حاکی از آن است که شورا به قصد وضع تعهدات حقوقی الزام‌آور به ایران قطعنامه را تصویب نکرده است. افعال مورد استفاده شامل «ملزم می‌دارد»،<sup>۶۴</sup> «براز می‌دارد»<sup>۶۵</sup>، «تصدیق می‌نماید»،<sup>۶۶</sup> «درخواست می‌کند»<sup>۶۷</sup> و «تأکید می‌نماید»<sup>۶۸</sup> بود.<sup>۶۹</sup>

۶۱. Joyner, *Iran's Nuclear Program and International Law: from Confrontation to Accord*, op.cit. 196.

۶۲. Enforcement Measures.

۶۳. Jochen Abr. Frowein, op.cit. 99 (as reprinted in Michael Byers, "Agreeing to Disagree: Security Council Resolution 1441 and Intentional Ambiguity," *Global Governance* 10 (2004): 165-186).

۶۴. Calls upon.

۶۵. Expresses.

۶۶. Endorses.

۶۷. Requests.

۶۸. Confirms.

«تقاضا کردن» برخلاف «خواستن» یا «تأیید کردن» مترادف یک دستور یا یک نهی اصیل<sup>۷۰</sup> می‌باشد؛ بنابراین عبارت «تقاضا می‌کند»<sup>۷۱</sup> همانند «تصمیم می‌گیرد»<sup>۷۲</sup> باید نمایانگر اراده شورا تلقی گردد که با استناد به اختیارات الزام‌آور خود تحت منشور تعهدات جدیدی به دولت هدف (در اینجا ایران) تحمیل می‌نماید و استقلال حاکمیتی دولت مورد مخاطب نادیده انگاشته می‌شود. عبارت «تأیید می‌کند»<sup>۷۳</sup> برای اعلام حقیقت پرونده و یا حمایت از یک اصل به کار برده می‌شود. مترادف عبارت مذکور عبارات «اظهار کردن»<sup>۷۴</sup> و «اعلان کردن»<sup>۷۵</sup> می‌باشد. عبارت «تأیید می‌کند» برعکس عبارات «تصمیم می‌گیرد»<sup>۷۶</sup> یا «تقاضا می‌نماید» بیشتر برای روشن ساختن حقیقت پرونده<sup>۷۷</sup> و اصول مرتبط با آن است و بنابراین حامل یک تعهد حقوقی الزام‌آور در شورا تحت اختیارات خود ذیل منشور نیست. موارد بسیاری وجود دارد که شورا «تأیید می‌نماید» را برای اعلام حقیقت بیان کرده است.<sup>۷۸</sup> در قطعنامه ۲۱۰۶ که در ۲۰۱۳ تصویب شده است، شورا بیان می‌دارد: «تأیید می‌نماید که خشونت جنسی، زمانی که به‌عنوان شیوه و تاکتیک جنگی یا به‌عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سیستماتیک علیه جمعیت غیرنظامی به کار برده یا تجویز می‌شود، عمدتاً سبب وخیم‌تر شدن و طولانی‌تر شدن اوضاع مخاصمات مسلحانه می‌گردد و مانع اعاده صلح و امنیت بین‌المللی می‌شود.»<sup>۷۹</sup>

۶۹. Joyner, *Iran's Nuclear Program and International Law: from Confrontation to Accord*, op.cit. 199.

۷۰. Authoritative Injunction.

۷۱. Demand.

۷۲. Decision.

۷۳. Affirm.

۷۴. Pronounce.

۷۵. Proclaim.

۷۶. Decide.

۷۷. Fact.

۷۸. Ibid.

۷۹. UN Security Council, Security Council Resolution 2106 (2013) [on Sexual Violence in Armed Conflict], June 24, 2013, S/RES/2106 (2013), para 1.

در پاراگراف مذکور شورای امنیت قطعاً قصد نداشت تا تعهد حقوقی جدید را وضع نماید، عمدتاً بند مزبور در حمایت از یک حقیقت و اصول مربوطه مورد تصویب قرار گرفته است.<sup>۸۰</sup> در قطعنامه ۲۱۸۹ که در ۲۰۱۴ تصویب شده است، شورا ابراز می‌دارد: «تأیید می‌نماید شورا حاضر است تا قطعنامه حاضر را در بافتار ملاحظات شورا در وضعیت افغانستان انطباق دهد.»<sup>۸۱</sup>

در قطعنامه ۱۹۲۹ پرونده هسته‌ای ایران نیز شورا از عبارت «با درک اینکه»<sup>۸۲</sup> در مقدمه خود سعی در بیان یک حقیقت دارد و قصدی مبنی بر تحمیل یک تعهد مستقل مبنی بر تحریم کامل بخش انرژی ایران به دلیل ارتباط با اشاعه هسته‌ای را نداشته است، ولی دولت‌های غربی با تمسک به چنین عبارتی بخش انرژی ایران را مورد تحریم قرار دادند. ضعیف‌ترین عبارت که شورای امنیت برای بندهای اجرایی قطعنامه‌ها به کار می‌برد، عبارات «تصمیم می‌گیرد»<sup>۸۳</sup> و «ملزم می‌دارد»<sup>۸۴</sup> می‌باشد،<sup>۸۵</sup> برای نمونه شورا در قطعنامه ۱۹۲۹ «تصمیم می‌گیرد که همه کشورها می‌بایست مانع از تأمین و فروش مستقیم و غیرمستقیم»<sup>۸۶</sup> تسلیحات به ایران شوند. شورا زمانی از این عبارت استفاده می‌نماید که در آینده اگر اقدامات مقتضی و مناسبی اتخاذ نگردد، دوباره خود، رأساً، موضوع را بررسی و اقدامات مناسب را پیشنهاد دهد.<sup>۸۷</sup> در قطعنامه ۱۹۲۹ به دلیل اهمیت موضوع تحریم‌ها، شورا از عبارت «تصمیم می‌گیرد»<sup>۸۸</sup> استفاده کرده و اقدامات دولت‌ها را با این ادبیات محدود نموده است. شورا *Decides* و *Calls upon* را با تجویز مراقبتی<sup>۸۹</sup> در بندهای مختلف قطعنامه به همراه یکدیگر آورده است. برای نمونه شورا «تصمیم می‌گیرد که همه دولت‌ها می‌بایست اتباع خود، افرادی که تحت حاکمیت قضایی آنها قرار دارند، شرکت‌هایی که در این کشورها

۸۰. Joyner, *Iran's Nuclear Program and International Law: from Confrontation to Accord*, op.cit, 199.

۸۱. UN Security Council, Security Council resolution 2189 (2014) [on the Situation in Afghanistan], December 12, 2014, S/RES/2189 (2014), para 4.

۸۲. Recognizing.

۸۳. Decides.

۸۴. Calls upon.

۸۵. Justin Gruenberg, op.cit. 488.

۸۶. UN Security Council, Security Council Resolution 1696 (2006) [Non-Proliferation], 31 July 2006, S/RES/1696 (2006), para 8.

۸۷. Gruenberg, op.cit. 488.

۸۸. Decides.

۸۹. Exercise Vigilance.

فعالیت دارند یا تحت حاکمیت قضایی آنها هستند، را ملزم کند تا «تجویز مراقبتی» در تجارت خود با نهادهایی داشته باشند که در ایران فعالیت داشته یا تحت حاکمیت قضایی این دولت هستند از جمله شرکت‌های وابسته به سپاه و خطوط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران.<sup>۹۰</sup> بدین سبب شورا با ادبیات مذکور سعی داشت در صورت عدم پابندی ایران به قطعنامه‌ها، خود رأساً تصمیم‌گیری نماید، نه اینکه به دولت‌ها اختیارات فراقطعنامه‌ای دهد تا اقدامات بیشتری را اتخاذ نمایند.

لازم به اشاره است عبارات “Calls upon”، “Reaffirms”، “Underlines” و “Stresses” بدان دلیل است که شورا قصدی مبنی بر ایجاد و تحمیل یک تعهد مستقل حقوقی و الزام‌آور به دولت‌های عضو سازمان ملل ندارد.<sup>۹۱</sup> در مقدمه قطعنامه ۱۹۲۹ که شورا به «ارتباط بالقوه میان بخش انرژی ایران و فعالیت‌های حساس اشاعه‌ای» تأکید می‌کند،<sup>۹۲</sup> قصد شورا ایجاد و تحمیل یک تعهد مستقل نبود، بلکه شورا رویکردی سلبی را از دولت‌ها درخواست می‌کرد نه تعهدی ایجابی و مستقل. فرمان اجرایی ۱۳۵۹۰ رئیس‌جمهور آمریکا آشکارا فراتر از قطعنامه ۱۹۲۹ بود. وزارت خارجه آمریکا به «ارتباط بالقوه» نیز راضی نبود و خواستار اقدامات بسیار بیشتری برای تضمین اجرا بود. وزارت خارجه فرمان اجرایی ۱۳۵۹۰ را چنین تشریح می‌کند: «این ... فرمان اجرایی مشتمل بر دو چیز متفاوت است. برای فعالیت‌های بالادستی گاز و نفت، از سرمایه‌گذاری در قسمت‌های کالا و خدمات فراتر می‌رود، برای مثال، فروش تجهیزات حفاری و خدمات مهندسی. اینها برای ایران در توسعه بخش انرژی و منابع نفتی خود بسیار بسیار مهم هستند و این موارد باعث می‌شود در بلندمدت تأثیر معکوسی در تولید نفتی ایران داشته باشد، این بدان معناست که درآمد نفتی [ایران] نیز کاهش می‌یابد ... ثانیاً، این [فرمان اجرایی] برای اولین بار صنعت پتروشیمی ایران را نیز مورد تحریم

۹۰. UN SC Res. 1696, para 22.

در قطعنامه ۱۶۹۶، تأکید از خود نگارندگان است.

۹۱. Dan Joyner, “Legal Bindingness of Security Council Resolutions Generally, and Resolution 2334 on the Israeli Settlements in Particular,” *EjilTalk*, Published on January 9, 2017, <http://www.ejiltalk.org/legal-bindingness-of-security-council-resolutions-generally-and-resolution-2334-on-the-israeli-settlements-in-particular/>.

۹۲. UN SC Res. 1929, Introductory Paragraph.

در قطعنامه ۱۹۲۹، تأکید از خود نگارندگان است.

قرار می‌دهد که از صنعت پالایشگاه جداست.<sup>۹۳</sup> بنابراین از نظر آمریکا دیگر ارتباط بالقوه مصرح در قطعنامه ۱۹۲۹ اصلاً معنایی ندارد و خواستار اعمال حداکثر فشار هستند، نه اینکه در واژه‌های قطعنامه تدقیق داشته باشند که آیا یک تعهد حقوقی ایجاد می‌کند یا خیر. شورا عبارت «فرامی‌خواند»<sup>۹۴</sup> را برای این بخش در قطعنامه ۱۹۲۹ در نظر گرفته است. عبارت «فرامی‌خواند» در قطعنامه‌های شورای امنیت «قاطع‌ترین عبارت [است] و برای وادار کردن یک نهاد به پایبندی به یک قطعنامه، بدون تحمیل اقدامات اضافی، به کار می‌رود.»<sup>۹۵</sup> به همین دلیل است شورا در قطعنامه ۱۹۲۹ «فرامی‌خواند تمام کشورها، نهادهای ملل متحد و دیگر طرف‌های ذی‌نفع را تا به‌طور کامل با کمیته و پنل کارشناسان همکاری کنند به‌ویژه با ارائه تمام اطلاعات در دسترس آنها در زمینه اجرای اقدامات تصمیم‌گرفته‌شده در (۲۰۰۶) ۱۷۳۷، (۲۰۰۷) ۱۷۴۷ و (۲۰۰۸) ۱۸۰۳ این قطعنامه خصوصاً در موارد عدم پایبندی.»<sup>۹۶</sup> بنابراین شورا با ذکر کردن نام نهادهای ناظر بر قطعنامه‌هایی چون ۱۷۳۷ و ۱۹۲۹ و با آوردن عبارت آغازین «فرامی‌خواند»<sup>۹۷</sup> از اتخاذ اقدامات یک‌جانبه و فراتر از قطعنامه‌های شورا جلوگیری به‌عمل می‌آورد.

شورا زمانی که می‌خواهد دولت مورد‌مخاطب خود را ملزم به تبعیت از یک قاعده‌ای نماید که مستقلاً در حقوق بین‌الملل وجود دارد، از عبارت «تقاضا می‌نماید»<sup>۹۸</sup> استفاده می‌کند.<sup>۹۹</sup> عبارت مذکور قوی‌ترین الزام حقوقی را در قطعنامه‌های شورا در پی دارد.<sup>۱۰۰</sup> برای نمونه شورا در قطعنامه ۶۸۷ از عراق «تقاضا می‌نماید قویاً به همه تعهدات خود در خصوص پرداخت دیون خارجی خود پایبند باشد.»<sup>۱۰۱</sup> شورای امنیت از این عبارت برای دو حالت استفاده می‌نماید: (۱) حالت اول درخواست از دولت مورد‌مخاطب برای پایبندی به تعهدات مستقل حقوقی و از

۹۳. Guymon, *Digest of United States Practice in International Law* (2011), op.cit. 480-481.

۹۴. Urges.

۹۵. Gruenberg, op.cit. 489.

۹۶. UN SC Res. 1696, para 30.

۹۷. Urges.

۹۸. Demand.

۹۹. Dan Joyner, op.cit.

۱۰۰. Gruenberg, op.cit. 490.

۱۰۱. UN Security Council, Resolution 687 (1991) Adopted by the Security Council at its 2981st Meeting, on April 8, 1991, S/RES/687 (1991), para 17.

پیش‌موجود؛ و ۲) حالت دوم زمانی که شورا قصد دارد یک تعهد حقوقی جدید را ایجاد و تحمیل نماید.<sup>۱۰۲</sup> شورای امنیت در تمام قطعنامه‌های صادره علیه ایران، فقط برای تعلیق غنی‌سازی از عبارت «تقاضا می‌نماید» استفاده کرده است. برای نمونه در قطعنامه ۱۶۹۶ شورا «تقاضا می‌نماید که در این چهارچوب، ایران تمامی فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی و بازفرآوری از جمله تحقیق و توسعه را تعلیق کند تا مورد راستی‌آزمایی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار گیرد»<sup>۱۰۳</sup> در قطعنامه ۱۹۲۹، شورا از عبارت «تقاضا می‌نماید» استفاده نکرده است. در بند ۲ قطعنامه ۲۳۳۴ مربوط به شهرک‌سازی اسرائیل<sup>۱۰۴</sup> در اراضی اشغالی، شورا «تقاضا می‌نماید»<sup>۱۰۵</sup> را به کار برده است. شورا «با تکرار تقاضای خود، اسرائیل سریعاً و کاملاً همه فعالیت‌های شهرک‌سازی خود را در اراضی اشغالی فلسطین متوقف نماید»<sup>۱۰۶</sup> جوینر معتقد است: «افعالی که شورای امنیت [از دولت مورد مخاطب] تقاضا می‌نماید، تعهد حقوقی اعاده وضعیت به حالت سابق می‌باشد»<sup>۱۰۷</sup> از نظر شورا در قطعنامه ۲۳۳۴، تعهد از پیش‌موجود، رعایت تعهدات حقوق بشر دوستانه بود که با توقف شهرک‌سازی وضعیت به حالت سابق برمی‌گردد<sup>۱۰۸</sup> یا می‌توان به قطعنامه ۴۰۳ اشاره کرد که شورا «تقاضا می‌نماید همه افعال خصمانه مرتکب شده علیه بوتسوانا از جانب رژیم غیرقانونی رودزیای جنوبی، توقف سریع و تام یابد»<sup>۱۰۹</sup> عبارت «تقاضا می‌نماید» در قطعنامه ۱۳۰۴ نیز ماهیت مشابهی، یعنی اعاده وضعیت به حالت سابق دارد. در قطعنامه مذکور شورا «تقاضا می‌نماید که نیروهای اوگاندایی و رواندایی به علاوه نیروهای مسلح و مخالف کنگویی و دیگر گروه‌های مسلح سریعاً

۱۰۲. Dan Joyner, op.cit.

۱۰۳. UN SC Res. 1696, para 2.

۱۰۴. یقیناً سرزمین فلسطین فراتر از دو منطقه نوار غزه و کرانه باختری و اردن است. نگاهی تاریخی به سرزمین فلسطین حاکی است که آنچه امروز اسرائیل در تصرف خود دارد به عنوان فلسطین اشغالی محسوب می‌آید لذا در جنگ ۱۹۴۸ نیز بخش‌های وسیعی از خاک فلسطین اشغال گردید. در جنگ‌های ۱۹۵۶ و ۱۹۶۷ مخصوصاً به احتمال زیاد بخش‌هایی اشغال گردید.

۱۰۵. Demand.

۱۰۶. UN Security Council, Security Council Resolution 2334 (2016), December 23, 2016, S/RES/2334 (2016), para 2.

۱۰۷. Dan Joyner, op.cit.

۱۰۸. Ibid.

۱۰۹. UN Security Council, Security Council Resolution 403 (1977) [Botswana-Southern Rhodesia], January 14, 1977, S/RES/403 (1977), para 4.

و کاملاً از کیسانگانی عقب‌نشینی کنند.<sup>۱۱۰</sup> در قطعنامه ۱۳۳۴ (تعهدات حقوق بشر دوستانه) و در قطعنامه ۴۰۳ (تعهد منع توسل به زور) و قطعنامه ۱۶۹۶ (تعهدات ان‌بی‌تی) از جانب شورا ذکر شده تا بازگشت به وضعیت حقوقی سابق، تعهدات، صلح و امنیت نیز رعایت گردد. در همه قطعنامه‌های صادرشده علیه ایران، تنها در قطعنامه ۱۶۹۶ شورا با تقاضای تعلیق غنی‌سازی از ایران، وضعیت به حالت سابق برمی‌گشت، ولی در قطعنامه ۱۳۰۴ شورا خود رأساً یک تعهد حقوقی جدید را ایجاد و تحمیل کرده است.

بنابراین تنها تعهدی که شورای امنیت از ایران تقاضا کرده است، مختص قطعنامه ۱۶۹۶ و «تقاضای تعلیق غنی‌سازی» از ایران است. شق مذکور آخرین و تنها شقی در میان قطعنامه‌های شورا علیه ایران است که باید واضح یک تعهد حقوقی الزام‌آور بر ایران قلمداد شود. هرچند بند مذکور بسیار خلاصه، موسع و نامعین به رشته تحریر درآمده است؛ زیرا هیچ تعهد حقوقی مشخص و معینی علیه ایران را تعیین نکرده است.<sup>۱۱۱</sup> بدین دلیل تنها تعهد موجود در کل قطعنامه‌های صادره علیه ایران، همین «تعلیق غنی‌سازی» است و مابقی بندهای قطعنامه تعهد حقوقی الزام‌آوری را ایجاد نمی‌نمایند که از جانب دولت‌های غربی مورد تضمین واقع شود؛ زیرا اگر شورا قصدی بر ایجاد یک تعهد داشت، از عبارت «تقاضا می‌نماید»، استفاده می‌نمود.

حال باید این نکته را در نظر داشت که قطعنامه ۱۶۹۶ ذیل ماده ۴۰ منشور و مابقی قطعنامه‌های ایران ذیل ماده ۴۱ تصویب شده است. این دو، چه تفاوتی در اجرای تعهدات قطعنامه‌ای دارند؟ طبق تفسیر برونو سیما از منشور، ماده ۴۰ تظاهری از اراده شورا است. بدین معنا که زمانی که «شورا قصد دارد تا تعهدی الزام‌آور و حقوقی ایجاد نماید به ماده ۴۰ توسل می‌جوید»<sup>۱۱۲</sup> ماده ۴۰ از آن جهت تحلیل می‌شود که ایجاد، اجرا و پایش و نظارت بر اجرای قطعنامه، رأساً و ضرورتاً به خود شورای امنیت سپرده شده است؛ یعنی مفاد قطعنامه ۱۶۹۶ و توسل به ماده ۴۰ باعث شده است دولت‌های ثالث نقشی در پیگیری پایبندی ایران به آن نداشته باشند. زمانی که اقدامات تحریمی ماده ۴۱، مانند قطعنامه‌های ۱۷۳۷، ۱۸۰۳ و

۱۱۰. UN Security Council, Security Council Resolution 1304 (2000) [Democratic Republic of the Congo], June 16, 2000, S/RES/1304(2000), para 3.

۱۱۱. Joyner, *Iran's Nuclear Program and International Law: from Confrontation to Accord*, op.cit. 201.

۱۱۲. Simma, op.cit. 1309.

۱۹۲۹ مطرح می‌شود، نقش شورا تنها به ایجاد و نظارت بر اجرا محدود می‌شود و حلقه میانی، یعنی اجرای قطعنامه‌ها به نظامات داخلی دولت‌ها و اراده آنها سپرده می‌شود. بدین دلیل است که شورا پس از تحریم‌های عراق به ساختارهای تمرکزگرا (مانند کمیته تحریم‌ها) روی آورده است تا از یک‌جانبه‌گرایی صرف در اجرا (مانند اجرای قطعنامه‌های ایران) جلوگیری شود.<sup>۱۱۳</sup>

رویه شورای امنیت در پاسخ به نیازهای عملی تفسیر و اجرای قطعنامه‌ها تکامل یافته است. قطعنامه‌های شورای امنیت و عبارت آنها، جزء وسایل اولیه تفسیر هستند و اعلامیه‌های رئیس شورای امنیت و خروجی‌های مطبوعاتی<sup>۱۱۴</sup> جزء وسایل ثانویه برای رسیدن به قصد و نیت شورای امنیت در هنگام تصویب قطعنامه‌ها می‌باشند. این اظهارات و خروجی‌های مطبوعاتی، فی‌الغایه فاقد خصیصه الزام‌آوری هستند و جزء تصمیمات شورای امنیت نیز محسوب نمی‌شوند.<sup>۱۱۵</sup> یکی از خروجی‌های مطبوعاتی شورای امنیت در مورد قطعنامه‌های شورا علیه ایران چنین ابراز می‌دارد: «با توجه به عبارات قطعنامه [۱۹۲۹]، شورا تصمیم گرفته است که باید از دستیابی ایران به منافی در هرگونه فعالیت تجاری مرتبط با غنی‌سازی اورانیوم جلوگیری شود.»<sup>۱۱۶</sup> نماینده ایالات متحده در شورای امنیت در حین تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ اظهار داشته بود که «کلمات باید یک معنایی داشته باشند.» قریب به اتفاق اظهارات نمایندگان دولت‌ها درخصوص قطعنامه ۱۹۲۹ حاکی از ترجیح حل‌وفصل دیپلماتیک مسئله به‌جای اقدامات قهری است. نماینده روسیه نیز اشعار داشته بود که «تحریم‌ها و اقدامات قهری، باید به شیوه متوازن و متناسب به کار بسته شوند، تأکید ما منحصراً بر رژیم عدم‌اشاعه است.»<sup>۱۱۷</sup>

دادگاه عالی سنگاپور در ۲۰۱۱ در مورد کشتی‌های سپهند، سبلان و توچال که دولت سنگاپور آنها را توقیف کرده بود، حکم صادر کرد. رأی مربوطه به‌نوعی تفسیر قطعنامه شورای امنیت نیز محسوب می‌شد. در رأی مذکور به دلیل آنکه سه کشتی مذکور به‌صراحت در

۱۱۳. Ibid, 1324-1325.

۱۱۴. Press Statements.

۱۱۵. Security Council Report, Special Research Report, Special Research Report No. 1: Security Council Action under Chapter VII: Myths and Realities, 13.

۱۱۶. "Security Council Imposes Additional Sanctions on Iran, Voting 12 in Favour to 2 against, with 1 Abstention," Security Council, United Nations, June 9, 2010, SC/ 9948; <https://www.un.org/press/en/2010/sc9948.doc.htm> (Last Accessed July, 2017).

۱۱۷. Ibid.



قطعنامه ۱۹۲۹ شورا ذکر نشده‌اند، آزاد شدند.<sup>۱۱۸</sup> قاضی لوح<sup>۱۱۹</sup> در رأی مذکور بر این عقیده است که نمی‌توان سه کشتی را به دلیل آنکه تحت مالکیت خطوط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران است، توقیف نمود. قطعنامه ۱۷۳۷ در بندهای ۱۵-۱۲ خود، برخی نهادهای متعلق به خطوط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران<sup>۱۲۰</sup> را تحت تحریم قرار داده بود.<sup>۱۲۱</sup> قطعنامه ۱۹۲۹ نیز اشعار داشته بود شورا «تصمیم می‌گیرد که اقدامات مندرج در پاراگراف‌های ۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۱۵ قطعنامه ۱۷۳۷ (۲۰۰۶) باید همچنین در مورد نهادهای خطوط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران که در پیوست III مشخص شده‌اند و نیز در مورد همه افراد و نهادهایی که از جانب و یا در راستای آنها فعالیت می‌کنند و نهادهایی که تحت مالکیت یا کنترل آنها از جمله از طرق غیرقانونی قرار دارند، یا توسط شورای امنیت و «کمیته» مشخص شده است که به این اشخاص یا نهادهای موردنظر در طفره رفتن از قطعنامه‌ها کمک کرده‌اند یا در راستای نقض مفاد قطعنامه‌های ۱۷۳۷ (۲۰۰۶)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷) و ۱۸۰۳ (۲۰۰۸) یا همین قطعنامه به این اشخاص و نهادها یاری رسانده‌اند، اعمال گردد.»<sup>۱۲۲</sup> در رأی دادگاه عالی دو پرسش مطرح می‌شود. نخست آنکه آیا کشتی‌های نامبرده متعلق به نهادهای خطوط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران است یا خیر و پرسش دوم اینکه آیا آنها مشمول تحریم منابع مالی مصرح در بند ۱۹ قطعنامه ۱۹۲۹ قرار می‌گیرند.<sup>۱۲۳</sup> دادگاه عالی سنگاپور به این نتیجه رسید که کشتی‌های مذکور، متعلق به خطوط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران هستند. ولی از آنجاکه بند ۱۹ قطعنامه ۱۹۲۹ «به کل نهادهای کشتیرانی ایران<sup>۱۲۴</sup> اشاره

۱۱۸. "The "Sahand" and Other Applications-[2011] SGHC 27, para 22," Singapore Law Watch, Last Accessed April, 2017, <http://www.singaporelaw.sg/sglaw/laws-of-singapore/case-law/free-law/high-court-judgments/14452-the-ldquo-sahand-rdquo-and-other-applications-2011-sghc-27>.

۱۱۹. Judge Quentin Loh.

۱۲۰. IRISL.

۱۲۱. UN SC Res. 1737, paras 12-15.

۱۲۲. UN SC Res. 1929, para 19.

۱۲۳. Amir Hossein Ranjbarian, Abdollah Abedini and Khalil Rouzegari, "Interpreting the United Nations Security Council Resolutions by the Domestic Courts: The Judgment of the High Court of Singapore on the Iranian Nuclear Program," *Journal of East Asia and International Law* 409 (2014): 420.

۱۲۴. IRISL.

نمی‌کند ... بنابراین بند اجرایی ۱۹ قطعنامه ۱۹۲۹ مسدود کردن دارایی‌هایی سه نهادی را در نظر دارد که [صراحتاً] در پیوست III مشخص شده است و یا هر شخص و نهادی که از جانب آنها عمل می‌کند.<sup>۱۲۵</sup>

رای دادگاه عالی سنگاپور از آن جهت جالب توجه است که وکیل خواهان (دولت سنگاپور) به تصمیم اتحادیه اروپا در ۲۰۱۰ مربوط به شورای اروپا در Regulation (EU) No 961/2010 ارجاع می‌دهد که اتحادیه اروپا کل خطوط کشتیرانی ایران را در لیست تحریم‌ها قرار داده بود<sup>۱۲۶</sup> و وکیل خواهان از دادگاه می‌خواهد که چنین رویکردی داشته باشد. دادگاه عالی سنگاپور با رد چنین نگرشی در قبال بند ۱۹ قطعنامه ۱۹۲۹، معتقد است: «مشخص نیست که چرا بند اجرایی ۱۹ تنها سه نهاد کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران<sup>۱۲۷</sup> را تعیین کرده است و خود کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران را [تحریم] نکرده است. بند مذکور به دقت واژه‌پردازی شده است و بنابراین اگر خود کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران مورد هدف بود، در این صورت سه نهاد ذکر شده در پیوست سوم قطعنامه حشو و زاید به نظر می‌آید. تحریم کردن کل کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر بند اجرایی ۱۹، با فهرست تهیه شده توسط کمیته [تحریم‌ها] مغایرت دارد.»<sup>۱۲۸</sup>

ملاحظه می‌گردد نقص و کاستی تضمین اجرای مطروحه در Regulation (EU) No 961/2010 اتحادیه اروپا، در بررسی که توسط یک دادگاه عالی انجام شده است، به راحتی آشکار می‌شود. رای دادگاه عالی سنگاپور در مورد نهادهایی بود که قطعنامه‌های شورا صراحتاً تحریم آنها را مشخص کرده بود. توسل به عبارات مبهم قطعنامه از سوی کشورهای غربی برای تفسیر مطلوب آنها، در راستای افزایش فشارها بر کشور مورد هدف می‌باشد نه اجرای مقررات یک کارگزار جامعه بین‌المللی.

<sup>۱۲۵</sup>. "The "Sahand" and other applications-[2011] SGHC 27, paras 51-52," op.cit.

<sup>۱۲۶</sup>. Council Regulation (EU) No 961/2010 of 25 October 2010 on Restrictive Measures against Iran and Repealing Regulation (EC) No 423/2007 [2010] OJ L 281/1, at p. 9, Article 16, para 2.

<sup>۱۲۷</sup>. IRISL.

<sup>۱۲۸</sup>. "The "Sahand" and Other Applications-[2011] SGHC 27, para 54," op.cit.

## نتیجه

روندی که با پژوهش حاضر درمورد تفسیر قطعنامه‌های شورای امنیت شروع شده است، هرچند تأسیسی نو از تفسیر در حقوق بین‌الملل است، ولی با توجه به مستحکم بودن این تأسیس و مقبول بودن استدلال‌ات منطقی آن، گمان می‌رود در آینده‌ای نه‌چندان دور، این تأسیس در زمره عمارات منیع و ابنیات رفیع حقوق بین‌الملل قرار گیرد.

لازم به ذکر است رجوع به عبارات آغازین بندهای اجرایی قطعنامه‌ها، چونان افساری بر تفسیر قطعنامه‌ها خواهد بود تا از بی‌غول‌روی برخی دولت‌ها پیشگیری نماید. برخی از حقوقدانان، نظر مشورتی کوزوو را پیش می‌کشند که در آن دیوان به سایر وسایل تفسیر قطعنامه‌ها، مانند بیانیه‌های مطبوعاتی شورای امنیت و نظر نمایندگان دولت‌ها در حین تصویب قطعنامه اشاره کرده است. گرچه دیوان این وسایل را پیشنهاد داده، ولی اینها ابزارهایی کمکی هستند نه قطعی. هنوز برخی جلسات شورای امنیت پیش از تصویب قطعنامه در قالب «مشورت‌های غیررسمی»<sup>۱۲۹</sup> پشت درهای بسته برگزار می‌شوند. محرمانگی برخی جلسات شورا از یک سو و برخورد و برداشت معاهده‌گونه و متصلب، ضربه سهمگینی به این‌گونه تفاسیر از قطعنامه‌ها وارد آورده است؛ زیرا صورت این نوع تفاسیر از ماده و مصالح منطقی و مستحکم حقوق تهی است. روندی که در این پژوهش و سایر پژوهش‌های هم‌ارز لاتینی شروع شده، باید در کوره حقوق بین‌الملل گداخته و آب داده شود تا میزان قطعیت آن عیان‌تر شود. هدف از ارائه این پژوهش بنیان نهادن نوعی جدید از تفسیر است که با شیوه‌های عادی و مرسوم تفسیر معاهدات را به وقعی نهاده و با آن وسایل تفسیر فاصله چندفرسخی دارد؛ بنابراین مقرون به صواب است که از قواعد عام تفسیر تا آنجا که مقدور است دوری گزید و در عوض قصد و نیت شورا را در عبارات و واژه‌هایی جست که به دقت در آغاز بندها و پاراگراف‌های اجرایی قطعنامه قرار داده می‌شود.

ساخت ویژه حقوق بین‌الملل تعداد خیلی از دولت‌های قدرتمند را قادر ساخته است تا به طرفه‌العینی برخی پدیدارهای حقوقی را پررنگ و حاکمیت کثیری از دولت‌ها را کم‌رنگ نمایند. تفسیر قطعنامه‌های شورا نیز از این موضوع مستثنا نیست. آنچه که علمای حقوقی در ارائه تفسیری نو و مطمئن از قطعنامه‌های شورا در پی آن بودند، پیشگیری از حدوث چنین امری بود. تسری نگرش‌های پلورالیست به وادی تفسیر و اجرای تعهدات، با تغلیظ ایده تفسیر

معاهده‌گونه، عاقبت منجر به ترقیق همان ایده در حقوق بین‌الملل و نزد سایر دولت‌ها به‌عنوان ذوات اصلی در حقوق بین‌الملل خواهد شد. توسل به هر شیوه و تفسیری و با هر عِدَّت و عِدَّتی در اجرای قطعنامه‌ها، خوانشی عمیقاً تقلیل‌گرایانه از اهداف و اصول منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل نیز می‌باشد.



## فهرست منابع

## الف) منابع فارسی

امین‌زاده، الهام و ناصر خداپرست. «نقد تحریم نفت ایران از طرف اتحادیه اروپا از منظر حقوق بین‌الملل». فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی ۶۰ (۱۳۹۱): ۳۶-۱۵.

## ب) منابع انگلیسی

Accordance with International Law of the Unilateral Declaration of Independence in Respect of Kosovo, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2010.

Bailey, Sydney D., and Sam Daws. *The Procedure of the UN Security Council*. 3<sup>rd</sup> Ed. Clarendon Press, 1998.

Bellinger, John. "The New UNSCR on Iran: Does It Bind the United States (and Future Presidents)?" *Brookings*. July 18, 2015. <https://www.brookings.edu/blog/markaz/2015/07/21/the-new-unscr-on-iran-does-it-bind-the-united-states-and-future-presidents/>.

Byers, Michael. "Agreeing to Disagree: Security Council Resolution 1441 and Intentional Ambiguity." *Global Governance* 10 (2004): 165-186.

COUNCIL DECISION 2010/413/CFSP of 26 July 2010 Concerning Restrictive Measures against Iran and Repealing Common Position 2007/140/CFSP.

Council Decision 2012/35/CFSP of 23 January 2012 Amending Decision 2010/413/CFSP Concerning Restrictive Measures against Iran.

Council Regulation (EC) No 423/2007 of 19 April 2007 Concerning Restrictive Measures against Iran.

Council Regulation (EU) No 961/2010 of 25 October 2010 on Restrictive Measures against Iran and Repealing Regulation (EC) No 423/2007 [2010] OJ L 281/1, at p. 9, Article 16.

Council Regulation (EU), No 267/2012 of 23 March 2012 Concerning Restrictive Measures against Iran and Repealing Regulation (EU) No 961/2010, Article 11.

Dupuy, R.J. *The Development of the Role of the Security Council: Workshop*. The Hague: Brill | Nijhoff, 1992.

EU Council Decision 2010/413/CFSP of 26 July, 2010.

Frowein, Jochen Abr. "Unilateral Interpretation of Security Council Resolutions-A Threat to Collective Security?." In *Liber Amicorum Günther Jaenicke-Zum 85. Geburtstag*, edited by Volkmar Götz, Peter Selmer and Rüdiger Wolfrum, 89-134. Berlin: Springer 1998.

Gruenberg, Justin. "An Analysis of United Nations Security Council Resolutions: Are All Countries Treated Equally?." *Case Western Reserve Journal of International Law* 41 (2009).

Guymon, CarrieLyn D. (Ed.) *Digest of United States Practice in International Law*. Washington: Office of the Legal Adviser United States Department of State, 2012.

Guymon, CarrieLyn D. (Ed.) *Digest of United States Practice in International Law*. Washington: Office of the Legal Adviser United States Department of State, 2011.

H. R. 1905- Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act of 2012, 112<sup>th</sup> Congress (2011-2012), Determinations of Whether the National Iranian Oil Company

and the National Iranian Tanker Company Are Agents or Affiliates of Iran's Revolutionary Guard Corps.

H. R. 1905- Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act of 2012, Section 202. Imposition of Sanctions with Respect to Transportation of Crude Oil from Iran and Evasion of Sanctions by Shipping Companies.

H.R.2194 - Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, and Divestment Act of 2010, 111<sup>th</sup> Congress (2009-2010), Section 104. Mandatory Sanctions with Respect to Financial Institutions that Engage in Certain Transactions.

Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act of 2012.

Issuance of the Executive Order "Authorizing the Implementation of Certain Sanctions Set Forth in the Iran Freedom and Counter-Proliferation Act of 2012 and Additional Sanctions with Respect to Iran" and the Implementation of Certain Provisions of the Iran Freedom and Counter-Proliferation Act of 2012 (IFCA).

Joyner, Daniel H. "Legal Bindingness of Security Council Resolutions Generally, and Resolution 2334 on the Israeli Settlements in Particular." EjlTalk. Published on January 9, 2017. <http://www.ejiltalk.org/legal-bindingness-of-security-council-resolutions-generally-and-resolution-2334-on-the-israeli-settlements-in-particular/>.

Joyner, Daniel H. *International Law and the Proliferation of Weapons of Mass Destruction*. Oxford: Oxford University Press, 2009.

Joyner, Daniel H., "The Security Council as a Legal Hegemon." *Georgetown Journal of International Law (University of Alabama Legal Studies Research Paper)* 43 (2012): 78-109.

Joyner, Daniel H., *Iran's Nuclear Program and International Law: From Confrontation to Accord*. Oxford: Oxford University Press, 2016.

Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) notwithstanding Security Council Resolution 276 (1970), Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1971.

National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2011, Section 805-Prohibition on Contracts with Entities Engaging in Commercial Activity in the Energy Sector of Iran.

National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2012, Section 1245. Imposition of Sanctions with Respect to the Financial Sector of Iran.

Office of the Law Revision Counsel, United States Code. "22 USC Ch. 95: Iran Freedom and Counter-Proliferation, from Title 22-Foreign Relations and Intercourse, §8803. Imposition of Sanctions with Respect to the Energy, Shipping, and Shipbuilding Sectors of Iran, (a) Findings, paras 5-6." Last Accessed May, 2016. <http://uscode.house.gov/view.xhtml?path=/prelim@title22/chapter95&edition=prelim>.

Parliament of Canada. "Proceedings of the Standing Senate Committee on National Security and Defense, Issue 3 - Evidence - Meeting of December 5, 2011." December 5, 2011. <http://www.parl.gc.ca/content/sen/committee/411%5CSECD/03EVA-49238-e.HTM>.

Ranjbarian, Amir Hossein, Abdollah Abedini and Khalil Rouzegari. "Interpreting the United Nations Security Council Resolutions by the Domestic Courts: The Judgment of the High Court of Singapore on the Iranian Nuclear Program." *Journal of East Asia and International Law* 409 (2014): 121-146.

"Report of the Canadian Parliamentary Delegation Respecting its Participation." the 56<sup>th</sup> Annual Session, Canadian NATO Parliamentary Association (NATO PA), Warsaw, Poland: Canadian NATO Parliamentary Association (NATO PA), November 12-16, 2010.

Security Council Report, Special Research Report, and Special Research Report No. 1: Security Council Action under Chapter VII: Myths and Realities.

Security Council. "Security Council Imposes Additional Sanctions on Iran, Voting 12 in favour to 2 against, with 1 Abstention." United Nations, June 9, 2010. SC/ 9948; <https://www.un.org/press/en/2010/sc9948.doc.htm> (Last Accessed July, 2017).

Simma, Bruno. (Ed) *The Charter of the United Nations: A Commentary*. 3<sup>rd</sup> Ed. New York: Oxford University Press, 2012.

Singapore Law Watch. "The "Sahand" and Other Applications-[2011] SGHC 27." Last Accessed April, 2017. <http://www.singaporelaw.sg/sglaw/laws-of-singapore/case-law/free-law/high-court-judgments/14452-the-ldquo-sahand-rdquo-and-other-applications-2011-sghc-27>.

Smith MP, Hon Stephen. "Australian Minister for Foreign Affairs and Trade, Australia Imposes New Broad-Ranging Sanctions against Iran." Minister for Foreign Affairs, Senator the Hon Marise Payne. July 29, 2010. <http://foreignminister.gov.au/releases/2010/fa-s100729.html> (Last Accessed April, 2016).

Standing Senate Committee on Foreign Affairs and International Trade, Iran in Focus: Current Issues for Canadian Foreign Policy, December 2012.

Szasz, Paul. "The Security Council Starts Legislating." *American Journal of International Law* 96 (2002): 69-94.

The Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, and Divestment Act of 2010, CISADA.

The National Defense Authorization Act (NDAA).

The White House, Office of the Press Secretary. "Fact Sheet on the New UN Security Council Sanctions on Iran." June 09, 2010. <https://www.whitehouse.gov/the-press-office/fact-sheet-new-un-security-council-sanctions-iran>.

UN Security Council, Resolution 687 (1991) Adopted by the Security Council at its 2981<sup>st</sup> meeting, on 8 April 1991, S/RES/687 (1991), para 17.

UN Security Council, Security Council Resolution 1304 (2000) [Democratic Republic of the Congo], 16 June 2000, S/RES/1304 (2000).

UN Security Council, Security Council Resolution 1696 (2006) [Non-Proliferation], 31 July 2006, S/RES/1696 (2006).

UN Security Council, Security Council Resolution 1737 (2006) [Non-Proliferation], 23 December 2006, S/RES/1737 (2006).

UN Security Council, Security Council Resolution 1929 (2010) [on Measures against Iran in Connection with its Enrichment-Related and Reprocessing Activities, including Research and Development], 9 June 2010, S/RES/1929 (2010).

UN Security Council, Security Council Resolution 2049 (2012) [on Extension of the Mandate of the Panel of Experts Established Pursuant to Resolution 1929 (2010) Concerning the Islamic Republic of Iran until 9 July 2013], 7 June 2012, S/RES/2049(2012).

UN Security Council, Security Council Resolution 2106 (2013) [on Sexual Violence in Armed Conflict], 24 June 2013, S/RES/2106 (2013).

UN Security Council, Security Council Resolution 2189 (2014) [on the Situation in Afghanistan], 12 December 2014, S/RES/2189 (2014).

UN Security Council, Security Council Resolution 2334 (2016), 23 December 2016, S/RES/2334 (2016).

UN Security Council, Security Council Resolution 403 (1977) [Botswana-Southern Rhodesia], 14 January 1977, S/RES/403 (1977).

Wood, Michael. "The Interpretation of Security Council Resolutions." *Max Planck Yearbook of United Nations Law* 73 20(1) (1998).





# Journal of LEGAL RESEARCH

**VOL. XVIII, No. 1**

**2019-1**

- **A Postmodern Critique of Legal Positivism in International Law**  
Dr. Alireza Bagheri Abyaneh - Dr. Mojtaba Ansarian
- **Interpretation of the UN Security Council Resolutions**  
Yaser Salarian - Mahdi Khalili Torghabe
- **Exceptions to the Prohibition of Forced Labor in Iran's Current Laws and ILO Conventions No. 29**  
Dr. Mohammad Mazhari - Farzad Jangjooi (Kharata) - Akbar Lotfi Aziz
- **Specific Obligations of Telecommunication Services in the World Trade Organization**  
Zahra Moshref Javadi
- **Reasoning Requirement of Arbitration Awards in International Investment Disputes Settlement**  
Sepehr Hasankhanpour - Amirhosein Haghighi
- **Criminal Policy on Direct Tax Law Emphasizing the Amendment Law on Direct Tax Law**  
Dr. Aboulhasan Shakeri - Atefeh Sheikheslami
- **Combating Smuggling of Goods in the Law on Combating Trafficking in Goods and Currency Approved 2013**  
Mostafa Hasan Raeisi - Reyhaneh Khalili
- **The Effect of Personality in the Contracts in Iranian and English Laws and Judicial Precedent**  
Fatemeh Norouzi - Dr. Mahdi Ashouri - Dr. Delavar Baradaran
- **Situation of Lawyer at the Preliminary Investigation Phase**  
Dr. Seyyed Ebrahim Ghodsi - Meisam Gholamy - Amin Maleki
- **Sovereignty of the Wills and its Advent in the Rules of Conflict of Laws in the Iranian and Chinese Legal Systems**  
Vahid Yeganeh - Rouholamin Hojjati Kermani
- **Smart Contracts: Legal Agreements for the Block Chain**  
Author: Reggie O'Shields, Translators: Mahdi Naser - Dr. Hossein Sadeghi

